



**رضا اسماعیلی:** من برای نخستین‌بار در حوزه هنری با علیرضا قزوه آشنا شدم. آن روزها قزوه شاعری جوان و پرشور بود که با حضور تأثیرگذار خود در جلسات شعر، نگاه تأمل‌برانگیز شاعران دیگر را به خود متوجه می‌ساخت و همواره شعرهای او مورد توجه و تشویق جمع شاعران حاضر در مجلس قرار می‌گرفت اما علاوه بر «خوب شعر گفتن» و «شعر خوب گفتن» آنچه باعث می‌شد قزوه به عنوان یک شاعر جوان در مرکز توجه قرار گیرد، ویژگی‌های اخلاقی او بود؛ ویژگی‌هایی همچون خون گرمی، شوخ‌طبعی، سادگی، بی‌دعایی و حاضر جوابی. گاهی نیز بعضی از این ویژگی‌ها- از جمله شوخ‌طبعی و حاضر جوابی - کار دست قزوه می‌داد و به خاطر سوبیرداشت دوستان، باعث ایجاد کدورت‌هایی بین او و دیگران می‌شد. البته قزوه در نخستین فرصت این کدورت‌ها

- ↑

عباس باقری ۶۳ ساله، از شاعرانی است که از دهه ۵۰ اشعارش در نشریات چاپ می‌شد. او اغلب شعر نیمایی و سپید می‌گفت و هراز گاهی نیز غزل؛ غزل گفتنی که بعد از انقلاب کمی بیشتر شد اما

همواره مخاطبان او را شاعری نوگرا می‌دانستند.

شعر باقری اغلب گنگ یا بسیار پرابهام و پیچیده است؛ شعرهایی که در عین پرابهام بودن، در بسیاری اوقات روشنای جان مخاطب را نیز نشانه رفته است. این روشنا چنان است که گاه فکر می‌کنی: «کنند دریافته‌های من از شعر باقری گنگ است، نه اینکه شعر او چنین است!»

- ↑

«بیانیسه» در ۲۳۹ صفحه، ۵۸ شعر سپید و نیمایی دارد؛ مجموعه‌ای که توسط آفرینش‌های ادبی حوزه هنری سیستان‌و بولجستان، شکل چاپ شده است.

باقری در یکی، دو دهه اخیر بسیار پرکار شده است و مرتب مجموعه‌شعر چاپ می‌کند. این چاپ‌های بسیار همیشه نشانه پرکاری نیست؛ چون شاعران در آغاز ۵۰ سال‌ه‌ای پیشین اشعارش را در گوشه و کنار به‌جا گذاشته‌اند که بنا به دلایل عدیده چاپ‌شان به تعویق افتاده و حالا جمع‌آوری آنها خود چندین مجموعه‌شعر می‌شود.

دفتر «بیانیسه» یک ویژگی نسبت به اشعار نیمایی و سپید پیشین باقری دارد؛ یک‌نوع ویژگی که ممکن است مثبت یا منفی باشد و آن استفاده از قافیه در اشعار سپید و نیمایی است. این امر قافیه‌پردازی و قافیه‌اندیشی، پیش از این در اشعار باقری سابقه نداشته است. اکنون نیز اگر باقری ناخودآگاه و به‌طور طبیعی از قافیه استفاده کند، بالطبع به قدرت کلام، رنگارنگی و موسیقی شعر خود کمک خواهد کرد اما اگر غیر از این باشد و آگاهی حاکم بر آن شود، شعر به سمت مصنوعی شدن پیش خواهد رفت. پیش از این شاعران نئوکلاسیکی همچون نادرپور، مشیری، ابتهاج، کسرابی و مصدق در این کار موفق بوده‌اند اما موفق‌تر از ایشان در کارهای نو، خود نیما، اخوان ثالث و شاملو هستند. شاعران انقلاب (نه شاعران بعد از انقلاب) در اغلب اشعار سپید و نیمایی

اَلِیَاقِیَ

«علیرضا قزوه» از دیروز تا امروز

# سردار جبهه شعر انقلاب

تعریف این شاعر روشن‌اندیش از آرمان‌گرای، بستن درها و ندیدن دیگران نیست، بلکه تبدیل تهدیدها به فرصت و استفاده از همه امکانات و تربیون‌ها برای تقویت جبهه انقلاب است. بی‌هیچ تردیدی نام قزوه را نیز باید در کنار نام شاعران بزرگی چون «طاهره صفارزاده»، «علی معلم‌دامغانی»، «سلمان هراتی»، «فیصر امین‌پور» و «سیدحسن حسینی» که از پیشاهنگان و طلابداران شعر اعتراض بودند نوشت و به خاطر سپرد و آن هم نه فقط به خاطر شعر «مولا، ویلانداشت»، بلکه به خاطر همه شعرهایی که تاکنون سروده است، زیرا از یک منظر می‌توان گفت تمام شعرهای او لَهجهای حماسی و معترض دارد. اعتراض شعرهای قزوه چند وجه دارد؛ گاهی اعتراض به تبعیض‌ها و بی‌عدالتی‌های سیاسی و اجتماعی داخلی است، گاهی اعتراض به بی‌عدالتی‌های جهانی، گاهی اعتراض به نفاق و تزویر و دین‌فروشی بعضی از مدعیان دین، و گاهی نیز اعتراض به خویشستن خویش؛ چنان که در شعر زیر می‌خوانیم:

ز پا انداخت آخر سرکشی‌های هوس، ما را

شبانگه با کلام امید می‌خواند جرس، ما را

به امید رهایی، راه را چون باد می‌رفتم

رها می‌کرد اگر یک لحظه زنجیر هوس، ما را
هوس کم بود، شد رنگ و ریا هم مشکلی دیگر
دعا کن واعظ ما واگذار یک نفس ما را

یکی از شیرین‌ترین خاطراتی که از قزوه دارم به سال ۱۳۶۸ دوران همکاری من با او در روزنامه اطلاعات برمی‌گردد. در این سال، من نیز بعدازظهرها با سرویس ادبی روزنامه اطلاعات همکاری می‌کردم و هر روز در تحریریه روزنامه در کنار ویرایش و تنظیم مطالب صفحه «وادی ادبیات»، به قزوه نیز در سامان دادن مطالب «بشنو از نی» کمک می‌کرد.

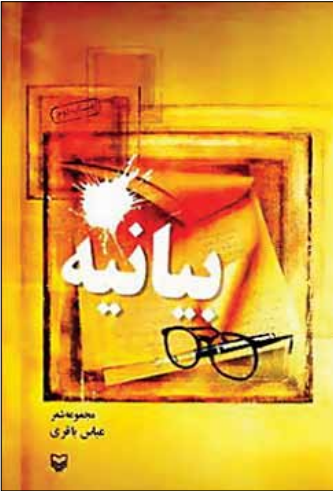
البته مدیریت و اداره این صفحه با او بود و من تنها دست‌ی از دور بر آتش داشتم. صحه ادبی «بشنو از نی» روزنامه اطلاعات، یکی از حرفه‌ای‌ترین، مقبول‌ترین و پرخواننده‌ترین صفحات ادبی بعد از

درباره مجموعه شعر «بیانیسه» سروده عباس باقری

## ناخود آگاه مغلوبی خود آگاه

- وارش گیلانی**

قافیه نیستند اما «میم» هر دو کلمه چنین نقشی را به صورت کاذب ایجاد کرده است. بعد «اتاق» و «محاق» و «کیستم» و «یستم» و سپس «ندید» و «چدید»، نشان از آن دارد که باقری آگاهانه دست به قافیه‌پردازی زده است؛ کاری که ممکن است هراز گاهی تا حدی بسرای مخاطب معمولی، جالب به‌نظر بیاید اما مخاطب حرفه‌ای را از شعر شاعر دور می‌کند!



حال ببینیم این قافیه‌اندیشی و قافیه‌پردازی در نمونه ذیل چگونه طبیعی و ناخودآگاه نشسته است؛ یعنی علاوه بر آنکه قافیه ایجاد موسیقی کرده، نوعی قافیه‌سازی‌های درونی نیز به ایجاد هارمونی و افزایش موسیقی کمک کرده است؛ یعنی یک نوع توازن در کلمات و ترکیبات و جملات در شعر باقری سبب قافیه‌سازی و خوش‌آهنگی شعر شده است؛ کلمات و ترکیبات متوازن و هماهنگی نظیر: «درختی»، «پرنده‌ای»، «روزنه‌ای» و نیز

انقلاب بود که سه‌شنبه‌ها چاپ می‌شد. بنیانگذار و مسوؤل این صفحه، همچنان که اشاره کردم شاعر متعهد، توانمند و خوش‌نام معاصر، علیرضا قزوه بود که به خاطر برخورداری از سعه صدر شاعرانه و تسلط و اشراف بر حوزه ادبیات معاصر، با دایر کردن بخش‌های متنوع و جذاب در این صفحه، همه سلیقه‌ها و ذائقه‌های ادبی را به همکاری با این صفحه وسوسه کرده بود. نقد ادبی، مصاحبه، ترجمه، معرفی کتاب و چاپ تازه‌ترین و شاخص‌ترین نمونه‌های شعر معاصر ایران، از جمله بخش‌های خواندنی و پرطرفدار این صفحه ادبی بود.

متأسفانه بعد از تعطیلی این صفحه و تا به امروز، هیچ صفحه ادبی دیگری نتوانسته است جای خالی این صفحه را در میان نشریات پر کند و انتظارات و مطالبات جامعه ادبی امروز را برآورده سازد. جان کلام اینکه «بشنو از نی»- به دور از هرگونه تعارف و اغراقی- در تاریخ چاپ صفحات ادبی، همچنان به عنوان یک پدیده غیر قابل تکرار باقی مانده است.

دایره نواندیشی و خلاقیت قزوه، فقط محدود به شعر نیست، به جرات می‌توانم بگویم که در طول ۴ دهه گذشته، در تمام عرصه‌هایی که ظاهر شده، خوش درخشیده است. هنوز سال‌های حضور پرنشاط او در حوزه هنری را به یاد دارم که چگونه با انگیزه بالا و سخت‌کوشی تمام، برای شناسایی و جذب شاعران جوان و چاپ آثارشان خود را به آب و آتش می‌زد. همین‌طور، اصحاب فکر و فرهنگ، خالصه حضور ماندگار او در روزنامه اطلاعات و مدیریت صفحه «بشنو از نی» را که سال‌ها عرصه‌ای پویا برای تعامل و هم‌اندیشی شاعران معاصر بود، فراموش نکرده‌اند.

زمانی هم که مسؤولیت برنامه‌ریزی و مدیریت «دیدارهای سالانه شاعران با رهبری» به دوش قزوه گذاشته شد، او با هوشمندی تمام تلاش کرد از این فرصت ناب و نایاب برای تثبیت ادبیات انقلاب و معرفی شاعران متعهد، شناسنامه‌دار و جریان‌ساز

خورجین قاصدی نایافته‌راه/ که شبانه برمی‌خیزد.../ اصلا/ خود شهید بن محراب بن بقیع است/عاشورا/ که در گلوی زینب، کلمه می‌شود/ در زخم‌های سر به مهر سجاد/قدمی کشد/بر منبر خطابه می‌نشیند/ و شام تیره‌روز را/ به تقویم آینه‌ها بازمی‌گرداند/ رگ‌های بریده بصیرت است/ که تشنگان عدالت را، سیراب می‌کند/ رنگین کمان درهم‌تنیده ایمان است/ بعد از نبوت باران/ در کربلا/ گاهی به هیات دستنی‌رشید/ در علقمه/ گاهی به رنگ برگ اناری کبود/ در خرابه شام/ گاهی/ خاری خلیده بر جگر کوفه...»

- ↑

یکی از بزرگ‌ترین مشکلات همیشگی شعر باقری این است که او راحت و انگار بدون رسیدن الهام و حتی شاید زمینه و استعداد مقطعی مناسب برای گفتن از چیزی، شروع به شعر گفتن می‌کند؛ یعنی یک نوع آگاهی و حتی گاه شاید پیش‌آگاهی هنگام شعر گفتن دارد که مخاطب آن در ۹۰درصد اشعارش احساس می‌کند و این احاطه قابل است.

از این رو است که مخاطب اغلب با چیز روشنی در اشعار باقری روبرو نمی‌شود و همواره شعرها یا گنگ بوده یا اینکه مثل یک نثر آگاهانه با مخاطب مواجه می‌شود؛ مثال ما همه اشعار دفتر «بیانیسه» است استثنای چند شعر آن، از جمله شعر ذیل که بخش اولش را هم که مثال بیابوریم، باز آن روشنی در شعر معلوم است و آن دست‌ی که تقریباً آگاهی شاعر پس می‌زند یا حداقل به آگاه وی نیز اضافه می‌شود. یعنی باز شعر زیر ۱۰۰درصد تابع شرایط زایش طبیعی می‌شعر نیست. اگرچه اغلب اشعار شعر چنین است:

«چند پله مانده به آسمان/ بر پیش‌خوان کوه/ احق‌مان را روشن کردیم/ او پیامبران عزلت‌گزیده را/ بر سفره‌خانه آفتاب، فرخاندیم/ جنگاوران و ستمپندگان را/از شیارها و رخنه‌ها/ روشنگران راه را/از پیچ دره‌ها/ عابدان تن‌آسوده را/از غارها و مغازه‌های تارک/ و شاعران مه‌الود را/ از لابه‌لای تخته‌سنگ‌های چاک‌خورده/ ندا دادیم/ آنک سنگ بر روی سنگ گذاشتیم/ و کلمه‌ها را/طوری کنار هم چیدیم/ که بتوانند به زبان قدیس‌ها سخن بگویند/ و ما را/ به فهم لاجوردی ملکوت برسانند.»

### پنجه یادداشتی پیرامون کتاب «تو شهید نمی‌شوی»

### سالک تیریزی

**مهدی خدادادی** : یکی از وجوه تمایز انقلاب اسلامی با سایر انقلاب‌ها که سال‌ها پس از پیروزی آن آشکارتر می‌شود، این است که انسان‌های تراز انقلاب، در نسل‌های جدید بازتولید شده و این موضوع سبب تثبیت انگیزه‌ها و آرمان‌های انقلاب شده است. موبد این کلام پدیده الهام‌بخش مدافعان حرم است که بیش از معانی امنیتی و راهبردی، مفهوم اجتماعی و فرهنگی انقلاب اسلامی را دربرمی‌گیرد و پرداخت به این موضوع باید در همه جوانب بویژه تاریخ‌نگاری انقلاب اسلامی مدنظر قرار گیرد تا بتواند مانع ایجاد فاصله بین مردم و انقلاب که هدف اصلی دشمنان این نظام مقدس است، شود.

خاطر‌نویسی و روایت مستند زندگی شهدای مدافع حرم یکی از مصادیق تاریخ‌نگاری انقلاب اسلامی است که بحمدالله در ۵ سال اخیر مورد توجه نویسندگان و ناشران فعال در حوزه ادبیات پایداری قرار گرفته و آثاری مطلوب چه از لحاظ کمی و چه از لحاظ کیفی تولید شده است؛ اقدامی که در سال‌های دفاع‌مقدس سبب انتقال معارف ناب آن دوران به نسل‌های بعدی شد و کتاب‌های به نگارش درآمده، شهدای امروز یعنی همین مدافعان حرم را تربیت کرد، حال با تشریح زندگانی شهدای مدافع حرم، تربیت نسل بعدی انقلاب را که ان‌شاءالله در امر ظهور موعود موثر و مفید واقع می‌شوند برعهده دارد.

«شب تالسوعا پیامک زده بود: «سلام، در بهترین ساعت عمرم به یادت هستم. جایب خالی». یک ساعت بعدش زنگ زد و حرف زدیم. گفت: «امروز منطقه اطراف حرم حضرت زینب(س) را به طور کامل پاکسازی کردیم و تکفیری‌ها را که قبلا تا پانصد متری حرم پیش آمده بودند و حرم را با خمپاره می‌زدند، تا شعاع چند کیلومتری دور کردیم». بعد گفت: «امروز از منطقه‌ای که قبلا دست تکفیری‌ها بود وارد حرم شدیم. از امشب هم چراغ‌های حرم را شب‌ها روشن می‌کنیم». از اینکه در شب تالسوعا این منطقه را آزاد کرده بودند خیلی خوشحال بود. ارادتش به حضرت زینب(س) توصیف‌شدنی بود.»

«کتاب تو شهید نمی‌شوی» سرگذشت‌نامه شهید محمودرضا بیضایی از شهدای جبهه مقاومت به روایت احمدرضا بیضایی (برادر شهید) در قالب خاطرات کوتاه است که مخاطب را گام به گام با زندگی این پاسدار سپاه قدس آشنا می‌سازد؛ زندگی جوان تیریزی که آشنایی‌اش با سپاه در دوران خدمت مقدس سربازی زندگی او را متحول می‌سازد و جذب سپاه می‌شود و علاقه و صفاشناسنی‌اش به آرمان جهانی امام خمینی(ره) یعنی تشکیلات نهضت جهانی اسلام، روحیه خاصی در او به وجود می‌آورد آنچنان که در جهت تحقق این آرمان، شبانه‌روز دست از تلاش برندارد. جوانی که مطالعات دینی و سیاسی بلایی دارد و همین موضوع باعث تعصب آگاهانه و واقف او به انقلاب اسلامی، رهبری و نظام می‌شود. جوانی که با آغاز جنگ در سوریه از سال ۱۳۹۰ تا بعد از ظهر ۲۹ دی‌ماه ۱۳۹۲ همزمان با سالروز میلاد پیامبر اعظم(ص) و امام جعفر صادق(ع) در منطقه قاسمیه به فیض شهادت نایل می‌آید و با خون خویش مهر تاییدی بر نوشته‌های خویش می‌زند.

«باید به خودمان بقبولانیم که در این زمان به دنیا آمده‌ایم و شیعه هم به دنیا آمده‌ایم که موثر در تحقق ظهور مولا باشیم و این همراه با تحمل مشکلات، مصائب، سختی‌ها، غربت‌ها و دوری‌هاست و جز با فدا شدن محقق نمی‌شود حقیقتاً. نمی‌خواهم حرف‌های آرمان‌گرایانه بزنم یا غیرواقعی صحبت بکنم، نه! حقیقتاً در مسیر تحقق وعده بزرگ الهی قرار گرفته‌ایم، هم من، هم تو، بحمدالله. خدا را باید به خاطر این شرایط و این توفیق بزرگ شاکر باشیم.»

کتاب «تو شهید نمی‌شوی» سرگذشت‌نامه شهید محمودرضا بیضایی که قلم احمدرضا بیضایی (برادر شهید) دومین کتاب پیرامون شهدای مدافع حرم از پروژه تاریخ‌نگاری جبهه مقاومت انقلاب اسلامی توسط نشر معارف در ۱۵۲ صفحه چاپ و به بازار کتاب عرضه شده است؛ کتابی که با توجه به استقبال مخاطبان تاکنون ۲ بار تجدید چاپ شده و چاپ سوم آن در اختیار دوستانران ادبیات پایداری قرار گرفته است.

سلام وطن

۶۶۴۱۳۹۴۲

دریافت پیام‌های شما از سراسر کشور

